



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 2, Issue 3, 2024

## The Criminal Policy of Iran and England on Injuries Caused by the Violence in Sport

Reza Zolghadr<sup>1</sup>, Seyed Reza Ehsanpour\*<sup>2</sup>, Ahmad Ommi<sup>3</sup>

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, University of Shahed, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 1-15**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0001-9135-3968

**TELL:** +989111164196

**Email:** ehssanpour@gmail.com

**Article history:**

**Received:** 23 Jun 2024

**Revised:** 07 Sep 2024

**Accepted:** 15 Sep 2024

**Published online:** 22 Sep 2024

**Keywords:**

*Sport, Violence, Sports*

*Injury, Criminal Policy, Iran, England.*

### ABSTRACT

What has been investigated in this research by using the descriptive-analytical research method and document and library collection of data and information is the nature of endogenous sports violence, the ability or lack of criminal prosecution of crimes and injuries caused by This type of violence and criminal policy of Iran and England is about injuries caused by sports violence. The findings of the research show that based on Article 158 of Iran's Islamic Penal Code and the December 2013 agreement between the judicial authorities and the English Football Association, among the three general approaches of lawyers and theorists regarding the strict adherence of sports to the rule of criminal law, the absolute immunity of sports from the rule of the criminal law and the modified theory of criminal responsibility, which includes criminal law and criminal prosecution in the case of sports violence and injuries caused by it as a last resort, provided that the conditions of the criminality of the committed act are met. Both the legal systems of Iran and England, in line with the vast majority of legal systems in the world, have recognized the third approach (modified theory of criminal responsibility).



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

**How to Cite This Article:** Zolghadr, R; Ehsanpour, SR & Ommi, A (2024). "The Criminal Policy of Iran and England on Injuries Caused by the Violence in Sport". *Journal of International Criminal Law*, 2(1): 1-15.



## مقدمه

پدیده خشونت به‌طور عام و «خشونت ورزشی»<sup>۱</sup> به‌طور خاص، یکی از گسترده‌ترین پدیده‌های عصر حاضر به‌شمار می‌روند، اگرچه بسیاری از مظاهر خشونت و درجه‌ای از تماس‌های فیزیکی خشونت‌آمیز، جزء ضروری و لاینفک نمایش‌های ورزشی است و به‌دلیل نوع فعل، آثار و غیرعمدی‌بودن، چنان بی‌اهمیت است که جایی برای بحث در مورد آن‌ها وجود ندارد و حتی در غالب موارد بر جذابیت و هیجان یک مسابقه می‌افزاید، اما گاه دامنه این خشونت‌ها با خارج‌شدن از قلمرو هنجارها و قواعد ورزشی، شکل و سیاق فعلی عمده و همراه با قصد آسیب‌رساندن به حریف و یا حتی یکی از اعضای تیم متبوع ورزشکار را به خود می‌گیرد. گزاره رواج این نوع خشونت‌های ورزشی - که مانند هر رفتار انسانی موضوعی چندبعدی و درهم‌تنیده با متغیرها و علل مختلف است - در حال تبدیل‌شدن به یک معضل اجتماعی است که جوامع مختلف - اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه - از آن رنج می‌برند. «نگرانی در مورد خشونت در ورزش آنقدر مهم شده است که برخی از آن به‌عنوان یک اپیدمی یاد می‌کنند» ( Epstein, 2009: 3) و برخی کشورها به‌دلیل نگرانی‌های ناشی از روند رو به رشد این پدیده ورزشی، با قاطعیت درصدد تعقیب کیفری جرایم و خشونت‌های آسیب‌زای ورزشی هستند. در ایران نیز گرچه برخی قوانین، قابل اعمال بر خشونت‌های ورزشی و آسیب‌های ناشی از آن است، با این وجود، خلأهای تقنینی موجود و نیز بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی که به‌موجب آن عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر این‌که سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد، قابل مجازات نیست؛ این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که نظام حقوقی و سیستم قضایی ایران، تمایل چندانی به اعمال مجازات‌های کیفری برای خشونت ورزشی و آسیب‌های ناشی از آن ندارند، لذا نظر به این‌که امروزه بخش قابل توجهی از فرایندهای قانون‌گذاری کشورها نه حاصل ایده‌های بکر نظریه‌پردازان و سیاستمداران هر کشور، بلکه نتیجه الگوبرداری و انتقال آن از سیاست‌های سایر نظام‌های حقوقی دنیا است، در پژوهش حاضر تلاش خواهیم کرد تا با مطالعه

تطبیقی سیاست کیفری ایران و انگلستان درخصوص مواجهه با آسیب‌های ناشی از خشونت‌های درون‌زای ورزشی، به شیوه توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری کتابخانه‌ای داده‌ها و اطلاعات، ضمن تبیین خشونت درون‌زا و رویکردهای محققان و نظریه‌پردازان در مورد قابلیت یا عدم قابلیت تعقیب کیفری آسیب‌های ناشی از این نوع خشونت‌ها، رویکرد سیاست کیفری انگلستان در مورد موضوع مورد بحث، تبیین و در نتیجه منبعث از آن، نقاط قوت و ضعف، نواقص، کاستی‌ها و ایرادات تقنینی ایران، شناسایی و درنهایت به نظام حقوقی کشور در تدوین قوانین کارا و اتخاذ سیاست کیفری مطلوب که مؤثر بر جرم‌انگاری و پاسخ‌دهی مناسب باشد، کمک گردد.

## ۱- خشونت ورزشی و اقسام آن

«خشونت» در لغت به معنای درشتی، زبری، تندخویی (بهشتی، ۱۳۶۹: ۲۳۲) و در اصطلاح، عبارت است از عمل پرخاشگرانه‌ای که احتمالاً به تمامیت جسمی یا روانی شخصی که علیه او انجام می‌شود، آسیب می‌رساند (Cornu, 2004: 456)، گرچه برخی (Young, 2000: 382) واژه «خشونت ورزشی» را مانند سایر جنبه‌های فرآیند اجتماعی، همچون فرهنگ، خانواده یا جرم، مفهومی گریزان و غیرقابل تعریف می‌دانند، با این حال، این اصطلاح محاوره‌ای برای اشاره به «رفتاری است که خارج از قواعد و مقررات ورزشی رخ می‌دهد، سبب آسیب عمده می‌گردد و ارتباط مستقیمی با اهداف رقابتی ورزش ندارد» (محسنی تبریزی و رحمتی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). باوجود این‌که اکثر مردم، معمولاً خشونت ورزشی را در دو حوزه خشونت جمعی (اغلب شامل جنایات علیه افراد و اموال است) و خشونت بازیکنان تصور می‌کنند (Young, 2000: 382)، اما «خشونت ورزشی»، متنوع بوده و واقعیت‌های متعددی از خطای ساده گرفته تا شورش دسته‌جمعی در استادیوم‌ها را دربر می‌گیرد. به همین دلیل تعاریف و تقسیم‌بندی‌های متعدد و متفاوتی از آن، توسط حقوق‌دانان، جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران ارائه شده است که در دو دسته کلی و به‌شرح زیر قابل تقسیم‌بندی است:

<sup>۱</sup>- Sport Violence

### ۱-۱- خشونت درون‌زا

خشونت‌تی که در حین انجام فعالیت ورزشی و در زمین بازی و مسابقه، توسط بازیکنان رخ می‌دهد به‌عنوان «خشونت درون‌زا» شناخته می‌شود. این نوع خشونت، معمولاً در ورزش‌های تماسی واقع می‌شود و به‌عنوان نوعی سوءاستفاده از نیروی فیزیکی و جسمانی شناخته می‌شود که پیامدهای متغیری، از جمله آسیب جسمانی، روانی و زیبایی‌شناختی، از دست‌دادن شغل و حرفه، ناتوانی غیرقابل جبران و برگشت و یا حتی مرگ قربانی را در پی دارد. کنترل و سرکوب آن - بدون لطمه به مسؤلیت مدنی یا کیفری که در هر مورد ممکن است از عمل خشونت‌آمیز ناشی شود - به رژیم‌های انضباطی عمومی و فدراسیون‌های ورزشی واگذار شده است.

### ۱-۲- خشونت برون‌زا

«خشونت برون‌زا»، کمی پیچیده‌تر از «خشونت درون‌زا» و شامل همه رویدادهای خشونت‌آمیزی است که به بهانه رقابت ورزشی، اما خارج از زمین مسابقه و توسط هواداران به‌وجود می‌آیند. بنابراین، «خشونت برون‌زا»، خشونت‌تی است که قبل، بعد و یا در حین انجام فعالیت‌های ورزشی در داخل یا خارج از اماکن ورزشی و البته در غالب موارد در سکوه‌های استادیوم‌های ورزشی روی می‌دهد. این قسم از خشونت ورزشی می‌تواند در قالب جرایم علیه اشخاص - اعم از فیزیکی (نظیر قتل، ایراد ضرب و جرح عمدی، نزاع دسته‌جمعی و ...) و کلامی (توهین، افتراء، دشنام و...) - و جرایم علیه اموال، نظیر تخریب اموال عمومی و خصوصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی نظیر برپاکردن هیاهو، جنجال، اختلال در نظم عمومی و ایجاد اختلال در روند بازی از طریق پرتاب اشیاء ظاهر شود. بنابراین، دامنه مفهومی این نوع خشونت می‌تواند از تهدید کلامی تا کشتن آدم‌ها را دربر بگیرد.

### ۲- مظاهر خشونت‌های درون‌زا

گسترده‌ترین و رایج‌ترین گونه‌شناسی خشونت ورزشکاران (درون‌زا)، در کتاب «خشونت و ورزش»<sup>۱</sup> و توسط مایکل اسمیت<sup>۲</sup> - جامعه‌شناس کانادایی - انجام شده است. وی خشونت ورزشی را به چهار نوع طبقه‌بندی کرده است (Young,

2: 391; Gardiner, 2007: 2000). ما نیز این گونه‌شناسی را ملاک تقسیم‌بندی خشونت‌های درون‌زای ورزشی قرار داده و میزان انطباق بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی با هریک از این اقسام خشونت را تشریح خواهیم نمود.

### ۱-۲- برخورد‌های فیزیکی خشن

بخشی از مشارکت ورزشی و شامل حرکاتی مانند مشت‌زدن به سر و بدن در بوکس یا تکل در راگیبی و فوتبال است که به تعبیر اسمیت، گوشت و سیب‌زمینی ورزش‌های محبوب را تشکیل می‌دهد. این نوع برخوردها باوجود امکان آسیب‌رساندن به حریف، با توجه به ذات و عرف نوع ورزش، قابل قبول و پذیرفتنی است و هرگز در زمره جرمی که مستوجب عقاب و محاکمه است، قرار نمی‌گیرند. بنابراین، قطعاً مطابق بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، قابل مجازات نخواهد بود.

### ۲-۲- خشونت‌های مرزی (بینابینی)

شامل تهاجماتی مانند ضربه‌زدن به پا، بدن یا بازوی حریف در فوتبال و بسکتبال است که هرچند قوانین رسمی برخی ورزش‌ها آن‌ها را ممنوع کرده است، اما به‌طور معمول در جریان بازی رخ می‌دهند و به‌دلیل نقض قواعد و هنجارهای بازی، منجر به دخالت داور مسابقه و دادن اخطار، کارت زرد، اخراج از زمین مسابقه با کارت قرمز، پناستی یا ضربه آزاد در فوتبال و راگیبی، کسر امتیاز در کشتی و بوکس و ... می‌شود. «خشونت‌های مرزی»، به‌دلیل برخورداری از ماهیت تصادفی، کم و بیش در ورزش‌های تماسی پذیرفته شده‌اند و به‌طور سنتی، مجازات‌های اعمال‌شده توسط فدراسیون‌ها و انجمن‌های ورزشی برای این نوع خشونت‌ها بسیار سبک بوده و مرتکب، تنها توسط داور مسابقه و به تشخیص و صلاح‌دید وی مورد تنبیه قرار می‌گیرد. باوجود این‌که این قسم از خشونت‌ها به‌دلیل نقض قواعد و مقررات بازی، مطابق بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، جرم محسوب می‌شود و قابل مجازات است، اما با همه این اوصاف، از آنجا که این نوع خشونت، بخشی از فعالیت ورزش تماسی محسوب می‌شود و نیز به‌دلیل محدودیت‌های حقوق کیفری در مواجهه با خشونت‌های ورزشی، عنوان مجرمانه‌بودن به آن تعلق نگرفته و مرتکب،

<sup>2</sup>- Michael Smith

<sup>1</sup>- Violence and Sport

ذات رفتار، غیرمجاز می‌باشد نه شدت عمل ارتكابی» (صفری، ۱۳۹۳: ۸۴).

#### ۴-۲- خشونت جنایی یا مجرمانه

خشونتی آشکار، بسیار جدی و خارج از مرزهای ورزش تلقی می‌شود، به نقض فاحش و عامدانه قوانین و هنجارهای ورزش می‌انجامد و هدف، ایجاد آسیب و صدمه قابل توجه به حریف است، در نتیجه علاوه بر اخطار، اخراج از بازی (در ورزش‌هایی مثل فوتبال) و ارجاع به ارگان‌های مربوطه برای اعمال مجازات‌های انضباطی بیشتر، از همان ابتدا به‌عنوان اعمال مجرمانه، مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. «موردی که در آن بازیکن راگی، حریف را گاز گرفته و بخشی از لاله گوش او را پاره کرد، نمونه‌ای از این نوع خشونت است. وی به شش‌ماه حبس تعزیری محکوم شد که در دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید شد» (Livings, 2016: 81). بنابراین، منعی در پیگیری این اعمال مطابق ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی وجود ندارد، چراکه این قسم از خشونت با هیچ یک از مبانی عدم مسؤولیت کیفری در عملیات ورزشی مطابقت ندارد و کافی است تا با ارجاع به دادگاه مطابق قانون مجازات اسلامی مورد رسیدگی قرار گیرد، اما در عمل شاهد آن هستیم که این نوع پرونده‌ها نیز به مراجع قضایی ارجاع داده نمی‌شوند. به نظر می‌رسد دلیل این امر را باید در استقلال‌طلبی ورزش و شرط رسیدگی به دعوی ورزشی از طریق مراجع شبه‌قضایی داخلی نظام ورزشی جستجو کرد که راه را برای اقامه دعوا در محاکم قضایی عادی و نیز مداخله دادگاه‌های دولتی در ورزش بسته است.

#### ۳- طبقه‌بندی ورزش‌ها براساس پتانسیل خطر

ورزش شامل طیف وسیعی از فعالیت‌های بدنی مختلف است که برخی به تنهایی و بدون تماس فیزیکی انجام می‌شوند و تا حد قابل توجهی ایمن هستند؛ حال آنکه تماس بدنی و فیزیکی، مشخصه برخی دیگر از ورزش‌ها است. ورزش‌هایی نیز وجود دارد که در آن‌ها، حتی ضربه‌زدن و آسیب جسمی رساندن به حریف، هدف ورزشکار و قانون ورزش است. بدین ترتیب ما نمی‌توانیم قوانین یکسانی را در زمینه ورزش اعمال کنیم، زیرا این امر باعث نادیده‌گرفتن عناصر ورزش و اعمال ناعادلانه قانون خواهد بود. بنابراین، باتوجه به این که هر ورزشی دارای

مورد تعقیب کیفری قرار نمی‌گیرد، بلکه تنها داور می‌تواند او را به دلیل ارتكاب خطای فنی با کارت زرد یا قرمز تنبیه و جریمه کند.

#### ۳-۲- خشونت‌های شبه‌جنایی

خشونت‌هایی هستند که نه تنها قوانین رسمی ورزش؛ بلکه قوانین کیفری و تا حد قابل توجهی هنجارهای غیررسمی ورزش را نقض می‌کنند و عموماً بخش قابل قبولی از بازی نیستند (James, 2002: 78). تکل از پشت، لگزدن، پشت پازدن، ضربه‌زدن با آرنج به بازیکنی که قصد زدن توپ با سر را دارد، از بارزترین مصادیق این نوع خشونت است که معمولاً منجر به جراحات و صدمات جدی طرف مقابل می‌شود و علاوه بر اعمال نظر داور، با تعلیق یا سایر جریمه‌های انضباطی ورزش، به آن پاسخ داده می‌شود. خشونت شبه‌جنایی را باید جزء خشونت‌هایی دانست که خارج از قلمرو مصونیتی ماده ۱۵۸ بوده و قابلیت مجازات و تعقیب کیفری را دارد. بنابراین، در صورت احراز عمدی بودن فعل ارتكابی، مطابق بند «ج» ماده ۳۹ آیین‌نامه انضباطی فوتبال که تصریح داشته: «درخصوص صدمات و جراحات بدنی و دیه جانی، کمیته انضباطی صلاحیت اتخاذ تصمیم ندارد و موضوع را به محاکم ذی‌صلاح قضایی محول می‌نماید» باید به مراجع قضایی صالح ارجاع شود، اما در عمل اصولاً چنین اتفاقی نمی‌افتد و تنها به مجازات‌های انضباطی بسنده می‌شود. دلیل این امر را باید در استقلال‌طلبی ورزش و شرط رسیدگی به دعوی ورزشی از طریق مراجع شبه‌قضایی داخلی نظام ورزشی جستجو کرد که راه را برای اقامه دعوا در محاکم قضایی عادی و نیز مداخله دادگاه‌های دولتی در ورزش بسته است.

«وجه اشتراک بین خشونت شبه‌جنایی و مرزی، به نقض قوانین برمی‌گردد، چراکه در هر دو نوع خشونت، قوانین ورزش نیز نقض می‌شود، اما تفاوت ظریفی که این دو نوع خشونت با یکدیگر دارند و می‌توان با کمک آن این موارد را از یکدیگر تفکیک کرد، این است که در خشونت مرزی، ذات عمل ارتكابی، غیرمجاز نیست، بلکه شیوه و نحوه اجرای آن غیرمجاز است. درحالی‌که در خشونت شبه‌جنایی، اصل عمل ارتكابی از اعمال غیرمجاز در آن ورزش به‌شمار می‌رود. به عبارت دیگر،

عنصر «خشونت» در مسابقات است که بسته به رشته ورزشی می‌تواند شدید یا ضعیف باشد. این نوع ورزش‌ها بسته به شدت تماس فیزیکی و مجازبودن استفاده از زور و قدرت بدنی، قابل تقسیم به گروه‌های متعددی هستند، اما دو گروه عمده که سایر انواع را نیز در خود جای می‌دهد، عبارتند از:

### ۱-۲-۳- ورزش‌های رزمی یا تماسی تن به تن

شامل ورزش‌هایی مانند بوکس، کشتی، جودو و امثال آن هستند که در آن‌ها نه تنها تماس، بلکه خشونت فیزیکی رقبا علیه یکدیگر امری عادی و مجاز است، به نحوی که همین خشونت و تماس فیزیکی، معنا، هدف، هویت و جوهر ورزش را تشکیل می‌دهد. به دلیل همین مجازبودن استفاده از زور و خشونت فیزیکی است که این نوع ورزش‌های رزمی را، «دوئل» نیز می‌نامند، البته لازم به ذکر است که استفاده از زور و قدرت فیزیکی یا همان اعمال خشونت علیه رقیب در این ورزش‌ها بی‌قاعده و قانون نیست، بلکه مبارزه تنها برای نشان دادن مهارت و توانایی است و قوانین هر کدام از این ورزش‌ها استفاده قاعده‌مند از خشونت را منضبط کرده است.

### ۲-۲-۳- ورزش‌های رزمی یا تماسی تیمی

که از آن‌ها به «ورزش‌های مبارزه‌ای» هم تعبیر می‌شود، عمدتاً ورزش‌های تماسی مانند هاکی روی یخ، فوتبال، راگبی، بسکتبال هستند. در این گروه از ورزش‌ها تماس فیزیکی مکرر جزء ذات و بخش جدایی‌ناپذیر نیست، اما چون عموماً هدف بازیکنان در آن‌ها ضربه‌زدن به یک جسم همچون توپ یا تصاحب آن است و این امر در غالب موارد، جز از طریق تماس فیزیکی مکرر با سایر ورزشکاران - اعم از رقیب یا هم‌تیمی - ممکن نمی‌شود، از این رو برخورد با حریف براساس قوانین فنی بازی، پیش‌بینی شده است. بنابراین، لازم است که در احراز مسؤلیت کیفری در مورد ورزشکاران این نوع ورزش، احتیاط‌های لازم اعمال شود. در این نوع ورزش‌ها اغلب، صدمات جزئی متعددی برای ورزشکاران رخ می‌دهد که بخشی از ورزش، محسوب شده و نیازی به اعمال مسؤلیت انضباطی هم نخواهند داشت، اما گاه آسیبی که به ورزشکار وارد می‌شود، به‌طور قابل ملاحظه‌ای جدی و نتیجه رفتار غیرقانونی ورزشکار دیگر است. در چنین مواردی، اعمال مسؤلیت انضباطی و

سطح متفاوتی از خطر آسیب است و خطرهای ورزشی از ورزشی به ورزش دیگر متفاوت است، معیار مجرمانه‌بودن یا نبودن خشونت و آسیب ناشی از فعالیت ورزشی، «قواعد خاص هر ورزش» است. به همین دلیل منطقی است که ورزش‌ها را براساس پتانسیل خطر و احتمال آسیب‌دیدن ورزشکاران تقسیم و طبقه‌بندی کنیم. این دسته‌بندی‌ها برای روشن شدن ماهیت ورزش و محتوای آن و همچنین برای تعیین خطرات ورزشی خاص انجام می‌شود و به‌عنوان نشانه‌ای از میزان تماس فیزیکی، خطر و آسیب در هر ورزش عمل می‌کند. چنین تمایزی به هنگام ارزیابی غیرقانونی‌بودن یک آسیب و قابلیت تعقیب انضباطی و کیفری آن می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد.

### ۱-۳- ورزش‌های موازی یا انفرادی

ورزش‌هایی مانند اسب‌سواری، اتومبیل‌رانی، تیراندازی، دوچرخه‌سواری، دو میدانی، اسکی، شنا و امثال آن هستند که در کنار هم و به‌صورت انفرادی انجام می‌شوند، شامل مبارزه مستقیم با حریف نیستند و قوانین این ورزش‌ها هرگونه تماس فیزیکی یا استفاده از خشونت علیه حریف را منتفی می‌کند، حتی در ورزش‌هایی مانند تیس که رقبا در مقابل یکدیگر رقابت می‌کنند نیز اجازه تماس فیزیکی با حریف و اقدامات تهاجمی وجود ندارد، در نتیجه در این ورزش‌ها درگیری و تماس فیزیکی بین شرکت‌کنندگان، محتمل نیست و به‌ندرت اتفاق می‌افتد که ورزشکاری به سایر رقبا آسیب برساند، در نتیجه برخورد و تماس فیزیکی بین رقبا در این ورزش‌ها اصولاً به‌صورت تصادفی و استفاده هم‌زمان از یک مسیر یا در نتیجه عدم رعایت عامدانه یا سهل‌انگارانه قوانین ایمنی و وظایف پیشگیرانه عمومی روی می‌دهد. چنانچه هریک از این تخلفات منجر به آسیب‌رساندن به رقیب شود، علاوه بر مسؤلیت‌های انضباطی و مدنی، در صورت احراز شرایط، مسؤلیت کیفری نیز به مرتکب، تحمیل خواهد شد.

### ۲-۳- ورزش‌های رزمی یا تماسی

شامل ورزش‌های رقابتی و معمولاً حاوی عنصر خشونت هستند، به نحوی که می‌توان مدعی شد عامل تعیین‌کننده در طبقه‌بندی یک ورزش به‌عنوان «ورزش‌های رزمی یا تماسی»،

خشونت و آسیب‌های ورزشی باید توسط قانون کیفری تأیید شود و امکان فرار مرتکبین از مجازات‌های قانونی وجود نداشته باشد، چراکه شرکت‌کنندگان در یک فعالیت ورزشی، فراتر از قانون نبوده و نیستند. «تعقیب کیفری می‌تواند ابزار مؤثری برای ارسال این پیام باشد که جامعه، خشونت غیرضروری توسط شرکت‌کنندگان ورزشی را تحمل نخواهد کرد» (Gillespie & Yates, 2002: 168). به‌علاوه پذیرش این که هیأت حاکمه یک ورزش خاص برای یک عمل شبه‌جنایی یا مجرمانه، مجازات مناسبی را تعیین کند، به منزله اعطای صلاحیت قضایی به هیأت‌مدیره جنرال‌موتورز برای تشخیص گناهکاربودن یا نبودن و در نتیجه مجازات مناسب برای کارمندی است که در حین کار، سرکارگر خود را کشت. به‌نظر می‌رسد اگر قرار باشد خشونت در ورزش محدود شود، تنها راه چاره مؤثر در اختیار دولت است که توانایی مقابله با تحریم‌های بازدارنده مؤثر را دارد. بنابراین، اگر یک سیستم عدالت کیفری تشخیص دهد که خشونت ورزشی باید به‌صورت کیفری پیگرد قانونی داشته باشد، گام بعدی تعیین میزان قابل اجرا بودن تعقیب‌های ورزشی است (Gillespie & Yates, 2002: 152). به‌طور کلی استدلال این گروه بر این است که قانون کیفری باید ایفاگر نقش جدی و محوری در خشونت‌های داخل زمین باشد تا از وقوع خشونت‌های شدید و آسیب‌زا پیشگیری شود، از بازیکنان محافظت شود و تأثیر آموزشی بر شرکت‌کنندگان در ورزش داشته باشد تا به‌طور کامل محدودیت‌های تماس بدنی قابل قبول را بشناسند و درک کنند (Fogel, 2014: 13)، اگرچه موضع این نظریه از این نظر قابل قبول است که برای یک بازیکن و ورزشکار، استفاده از ورزش برای ارتکاب جرایم واقعی عمدی یا سهل‌انگارانه معقول نیست؛ با این حال، گنجاندن تمام آسیب‌های ورزشی در زمینه جنایی، از جمله آسیب‌هایی که بدون نقض قوانین بازی ایجاد شده‌اند، اغراق‌آمیز است. بنابراین، این شکل ارزیابی حقوقی در حقوق کیفری فعلی قابل قبول نیست.

#### ۴-۲- تئوری منفی و سلبی: مصونیت مطلق ورزش از حاکمیت قانون

تئوری مصونیت مطلق ورزشی از قوانین جزایی و کیفری، مبتنی بر این عقیده است که ورزش، چنان حوزه مستقلی از

در نتیجه مجازات توسط مراجع انتظامی قابل بررسی است، اما در موارد شدید که ارزش‌ها و روابط اساسی مورد حمایت قانون کیفری جامعه نقض شود، ممکن است مسؤولیت کیفری نیز اعمال شود.

#### ۴- رویکردها در مورد مداخلات کیفری در خشونت‌های ورزشی

«خشونت» در ورزش، یک واقعیت است. امری که بیشتر به‌صورت داخلی، توسط تیم‌ها و فدراسیون‌ها و در صورت شدیدبودن، توسط دادگاه‌های داوری ورزش رسیدگی می‌شود. در موارد نادر، خشونت و تهاجم انجام‌شده توسط بازیکنان در میدان ورزش، از حدود قواعد تعریف و تعیین شده برای آن عبور می‌کند و شکل و سیاق یک جرم کیفری را به خود می‌گیرد. این معضل حقوقی در حال حاضر توجه محققان و صاحب‌نظران حقوق کیفری ملی و بین‌المللی را نسبت به امکان تحریم این رفتارها و خشونت‌های ورزشی و از سوی دیگر جستجوی اشکال توجیهی برای آن عواقب قانونی که بدون نقض مقررات بازی ایجاد می‌شود، برانگیخته است. سؤال این است که در چنین مواردی تکلیف چیست؟ آیا راه برای تعقیب کیفری بازیکن خاطی باز است؟ پاسخ به سؤال فوق، حقوق‌دانان کیفری را در سطح بین‌المللی به سه گروه با سه رویکرد متفاوت تقسیم کرده است:

#### ۴-۱- تئوری تأییدی و اثباتی: پابندی دقیق ورزش به حاکمیت قانون کیفری

طرفداران این نظریه معتقدند: هیچ قاعده یا تمرینی برای هیچ بازی وجود ندارد که بتواند آن چیزی را که طبق قانون کشور غیرقانونی است، مجاز کند (Hardman, 2019: 1). بنابراین، تنها لباس پوشیدن و ورود به عرصه ورزش نباید مجوزی برای انجام رفتاری باشد که در صورت ارتکاب در جای دیگر، جرم محسوب می‌شود (Horrow, 1982: 1). در نتیجه، ورزش مانند هر نهاد دیگری ناچاراً نیاز دارد که مسؤولیت‌پذیر شود. (Zigler, 2007: 305)، یعنی ایجاد جراحت در حین فعالیت ورزشی در صورتی که الزامات یک جرم خاص را برآورده کند، ممکن است منجر به مسؤولیت کیفری گردد (Fafinski, 2005: 414). بنابراین، تعقیب کیفری ورزشکاران مرتکب

مرتکب نباید مستلزم مسؤولیت کیفری باشد. در صورت وارد شدن آسیب جدی به سلامت قربانی، مسؤولیت ناشی از عواقب این سهل‌انگاری را باید متحمل شود» (Korabel & et al, 2022: 4). نتیجه این‌که چون هدف ورزشکار، انجام بازی و ارائه یک نمایش ورزشی زیبا و قدرتمند برای کسب امتیاز و پیروزی است، بدون این‌که قصد ایجاد صدمه داشته باشد، اراده مجرمانه مفقود است و مجازاتی نمی‌توان اعمال کرد.

### ۲-۲-۴- فرضیه مجازبودن فعالیت‌های ورزشی

به اعتقاد طراحان و مدافعان این تئوری، ورزش‌هایی که دولت به آن‌ها مجوز فعالیت اعطا کرده است، نمی‌توانند مشمول مجازات کیفری شوند، زیرا اعطای مجوز به هر ورزش در واقع به رسمیت شناختن ضربات، آسیب‌ها و خشونت‌های آن ورزش توسط دولت قانونی است. بنابراین، می‌گویند: «ما معتقدیم که در ایجاد آسیب به زندگی و سلامتی در ورزش، به دلیل مجازبودن این نوع فعالیت توسط قانون، شخص مسؤولیت کیفری ندارد» (Korabel & et al, 2022: 4). به طور خلاصه، در تئوری ارائه‌شده، همان توجیهی که در سلب مسؤولیت از پزشک و جراح در درمان بیماران ارائه می‌شود، برای توجیه عدم مسؤولیت کیفری ناشی از آسیب ورزشی نیز تعمیم داده شده است.

### ۳-۲-۴- فرضیه رضایت قربانی

مدافعان این فرضیه معتقدند: «به‌طور معمول فرض بر این است که بازیکنان و ورزشکارانی که به خواست و اراده خود به بازی می‌پردازند، خطرهای عادی، آشکار و قابل پیش‌بینی مربوط به مسابقه را قبول می‌کنند و در این خصوص رضایت زیان‌دیده و به نوعی توافق ضمنی در مورد پذیرش خطر و انتفای مسؤولیت، قابل اثبات است، لیکن در مورد خطاهای نامتعارف و غیرقابل پیش‌بینی چنین رابطه‌ای برقرار نخواهد بود» (علوی قزوینی و مقدادی، ۱۳۹۰: ۶). «دو ادعا به‌طور ضمنی وجود دارد: اول این‌که رضایت، توجیه هنجاری غالب برای قانونی‌بودن خشونت ورزشی است؛ ثانیاً گرفتن رضایت ورزشکاران می‌تواند به‌عنوان یک مکانیسم اعتقادی برای ارزیابی قانونی‌بودن یک رویداد خاص از خشونت ورزشی

قانون است که تنها براساس قوانین وضع‌شده توسط نهادها و فدراسیون‌های ورزشی اداره می‌شود و تنها همین نهادها می‌توانند به‌طور مؤثر به نقض قوانین در داخل نظام ورزش پاسخ دهند و قادر به اعمال تحریم‌ها و مجازات‌های کافی و لازم هستند. بنابراین، فرایندهای قانونی جایی در ورزش ندارند و صدمات و آسیب‌های ورزشی از شمول قانون کیفری، خارج می‌باشند، چراکه «مجازات‌های کیفری برای خشونت ورزشی باعث سقوط ورزش می‌شود و ورزشکاران احساس می‌کنند به دلیل تهدید پیگرد قانونی از بازی با قدرت محروم هستند» (Gillespie & Yates, 2002: 168). درحالی‌که بدون شک یک سیستم انضباطی داخلی سریع، منصفانه و عادلانه در یک ورزش، مؤثرترین عامل بازدارنده در برابر بازی‌های خشونت‌آمیز غیرضروری است (Anderson, 2012: 57). «نظریه مصونیت مطلق»، در واقع از قانونی‌بودن خشونت ورزشی و صدمات ناشی از آن با معیارهایی غیر از محتوا و مفهوم حقوقی آن‌ها دفاع می‌کند، مشروط بر این‌که مقررات بازی نقض نشود و مبتنی بر فرضیاتی است که برخی از آن‌ها قابل بحث و گاهی قابل انتقاد است، چند نمونه از این فرضیات عبارتند از:

### ۱-۲-۴- فرضیه عدم وجود قصد و عمد

عده‌ای تلاش کرده‌اند تا حوادث ناشی از فعالیت‌های ورزشی را به لحاظ فقدان قصد مجرمانه، غیرقابل مجازات بدانند (علی‌آبادی، ۱۳۳۷: ۲۵۱). در مدافعان این رویکرد، حقوق‌دانانی هستند که معتقدند: «باید پذیرفت که حوادث ناشی از اعمال ورزشی را نمی‌توان جرم محسوب کرد، زیرا هدف اساسی و اصلی عملیات ورزشی پرداختن به امر ورزش به‌منظور تقویت جسم و روح افراد کشور است، نه اعمال مجرمانه و غیرقانونی» (چلبی، ۱۳۸۶: ۲۹). به اعتقاد این گروه «هرگاه در طول مسابقات ورزشی بدون نقض قوانین مربوطه به سلامت انسان آسیب وارد شود، اقدام ورزشکار نباید تحت شمول هیچ‌کدام از مجازات‌های کیفری و غیرکیفری قرار بگیرد، چراکه ورزشکار قصد نقض قوانین ورزشی و ایجاد آسیب را ندارد و نمی‌توان اقدامات او را از نظر اجتماعی، خطرناک یا غیرقانونی تشخیص داد، حتی اگر نتیجه نقض عمدی قوانین مسابقه، وارد کردن آسیب خفیف یا متوسط به سلامت قربانی باشد، اقدامات

بازیکن مرتکب، در محدوده تعیین شده توسط قوانین بازی بوده، در این صورت می‌توان گفت که عمل او قانونی است، در نتیجه قانون نمی‌تواند ورزشکار را به دلیل نتیجه حاصل از یک رفتار قانونی مجازات و مؤاخذه نماید، زیرا با رفتار بازیکن براساس موازین و ضوابط قانونی، آسیب وارد شده به عنوان یک رویداد تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی طبقه‌بندی می‌شود.

به نظر می‌رسد که ورزشکاران نیز تئوری مصونیت مطلق ورزش از قوانین جزایی و کیفری را پذیرفته و به آن پایبند هستند، زیرا با وجود این که سالانه میلیون‌ها ورزشکار در حین انجام بازی توسط رقیب مجروح می‌شوند، اما رجوع به مراجع قضایی و قانون کیفری برای خشونت‌های روی داده در ورزش به ندرت اتفاق می‌افتد، گرچه به دلیل الزام نهادهای ورزشی به حل و فصل داخلی اختلافات ورزشی، ترس از دست دادن موقعیت حرفه‌ای و ورزشی در صورت دخالت دادن مراجع قضایی در دعاوی ورزشی، دور از احتمال نیست، اما آنچه غالب است، غلبه نگاه «خانواده» در جامعه ورزش است و تلاش می‌شود تا اختلافات در داخل خانواده حل شود. حاکمیت چنین تفکری این است که جرمه و تعلیق، تکلیف رفتارهای خشونت‌آمیز و مجرمانه را تعیین کند.

### ۳-۴- تئوری دوگانه و بینابین: نظریه تعدیل شده مسؤولیت کیفری

این نظریه، نشان‌دهنده نوعی سازش بین دو نظریه ذکر شده در بالا است و به نوعی هر دو نظریه منفی و تأییدی را گرد هم می‌آورد و به دنبال ارائه توضیح مشترکی برای مشکل توجیه آسیب‌های ورزشی در ورزش‌های خشن و تماسی است، نظریه تعدیل شده، مسؤولیت کیفری ورزشکار را رد و یا انکار نمی‌کند، بلکه ابزارهایی را تعریف می‌کند که براساس آن مسؤولیت کیفری احتمالی ورزشکاران ارزیابی می‌شود. بنابراین، سؤالی که مطرح می‌شود، این نیست که آیا دولت، مشروعیت مداخله در یک رویداد ورزشی را دارد یا خیر، بلکه سؤالی است که دولت و نظام عدالت کیفری چه زمانی باید در خشونت‌های ورزشی و آسیب‌های ناشی از آن مداخله کند؟

مطابق این دیدگاه - که دیدگاه رایج نیز هست - صرف ضربه زدن به حریف و یا در مواردی بازیکن هم‌تیمی، موجب تحقق

استفاده شود» (Livings, 2016: 147-148). بنابراین، شرکت اختیاری در بازی‌های ورزشی، حتی در رشته‌های خشن که متضمن حوادث و درگیری‌های بدنی است، به معنای رضایت ضمنی به خطرهای عادی آن است. «بدون چنین درکی، ورزش‌های تماسی خشونت‌آمیز مانند هاکی روی یخ وجود نخواهد داشت» (Fogel, 2014: 9)، چنانچه در سال ۱۹۷۸ دادگاه‌های انگلیس در مورد پرونده آسیب‌دیدگی یک بازیکن راگی در حین بازی گفتند که راگی یک بازی فیزیکی است که در آن استفاده از قدرت بدنی لازم است و فرض بر این است که بازیکنان به استفاده از این قدرت بدنی در طول بازی رضایت دارند (Gilberto & Maldonado, 2020: 838).

### ۴-۲-۴- فرضیه کفایت اجتماعی

منظور از کفایت اجتماعی، رفتاری است که در تمامیت خود با نظم اجتماعی زندگی عادی تکامل یافته تاریخی مطابقت دارد. رفتار اجتماعی مناسب با این حال لزوماً رفتار اجتماعی نمونه نیست، بلکه رفتاری در راستای آزادی عمل است (Stajniko, 2018: 284). مطابق این نظریه، نقض حقوق قانونی که در زندگی اجتماعی روزمره غیرقابل قبول است، هنگام انجام یک ورزش، غیرقانونی نیست و در صورت رعایت قوانین بازی، این مقررات به دلیل اهمیت اجتماعی ورزش، مسؤولیت کیفری ورزشکار را منتفی خواهند کرد و متخلف تنها باید برای رفتاری که قوانین ورزشی را نقض کرده است، جرمه شود. به عنوان مثال اگر یک بازیکن فوتبال، مطابق مقررات و قوانین فوتبال عمل کند و رفتار او موجب ایراد صدمه به رقیب شود، این اقدام از نظر اجتماعی مناسب است و غیرقانونی نیست.

### ۴-۲-۵- فرضیه رویداد تصادفی

برخی معتقدند هرگونه آسیب در ورزش‌های تماسی، صرفاً تصادفی و با هدف فعالیت ورزشی اتفاق می‌افتد (Livings, 2016: 74). مشخصه رویداد تصادفی، غیرقابل پیش‌بینی بودن واقعه‌ای است که در رابطه علی با فعالیت یک انسان یا با حذف او رخ می‌دهد. در جریان عادی یک بازی ورزشی، ممکن است یک اتفاق غیرقابل پیش‌بینی رخ دهد که منجر به جراحت یا مرگ شود، مثل آنجا که در یک مسابقه فوتبال، توپ پرتاب شده توسط حریف به بینایی بازیکن آسیب می‌رساند. اگر رفتار

از رفتار حریف در مدت زمان تعیین شده برای انجام بازی باشد، اگر بازیکنی به هر دلیلی قبل یا بعد از شروع مسابقه یا در حین توقف بازی به رقیب یا هم‌تیمی خود تعرض کند، عمل ارتكابی در چنین شرایطی خارج از حیطه تمرین مشروع یا مسابقات ورزشی مجاز به موجب قانون رخ داده است و ورزشی محسوب نمی‌شود، زیرا هیچ ارتباط محلی و زمانی با ورزش و رقابت ندارد. بنابراین، تنها صدمات و جراحات ناشی از روند معمول مسابقات، آسیب ورزشی محسوب می‌شود. به‌طور کلی «آسیب ورزشی» به آسیب‌هایی اطلاق می‌شود که ورزشکاران نسبت به یکدیگر وارد می‌کنند.

«قصد مجرمانه» مهم‌ترین عامل تلقی یک عمل به‌عنوان رفتار عمدی است و در نتیجه دارای مجازات است. مهم‌ترین عاملی که برای ورزشکاران و بازیکنان ورزشی موجب عدم مسؤلیت کیفری می‌شود، عدم وجود قصد مجرمانه است که موجب برائت وی از مجازات می‌شود. «احترام به مقررات ورزشی»، پارامتر قانونی بودن آسیب‌های ورزشی و مصونیت از مجازات را تشکیل می‌دهد، زیرا قوانین، حد معافیت را مشخص می‌کنند و تخلف از آن شرط لازم مداخله قضایی می‌شود، زیرا در صورت بی‌توجهی یا تخطی، آسیب‌ها عمدی می‌شوند و در این صورت هرگز توجهی پیدا نمی‌کنند. در مقابل، شخصی را که طبق مقررات عمل می‌کند، اما به حریف خود آسیب می‌رساند، نمی‌توان به‌عنوان عامل جرم جرح متهم کرد، زیرا اگر مقررات اجازه رفتاری را بدهد و قانون کیفری آن را تأیید نکند، تناقض پیش خواهد آمد.

#### ۵- رویکرد ایران و انگلستان در مواجهه با خشونت‌های ورزشی

سؤال این است که در سیستم حقوقی ایران و انگلستان، ورزشکاران چه زمانی به‌دلیل آسیب‌زدن به رقیب خود در حین ورزش، مستوجب تعقیب کیفری و مجازات خواهند شد؟ متأسفانه موضوع آسیب‌های ناشی از خشونت ورزشی به‌درستی و با نصوص کیفری خاصی که ماهیت زمین ورزش و عوامل مؤثر بر آن را در نظر گرفته باشد، در علم حقوق کیفری و قانون مجازات اسلامی ایران منعکس نشده است. مفاد بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی و خلأهای تقنینی در مورد جرایم و تخلفات ورزشی بیانگر آن است که نظام حقوقی و قضایی

«خشونت ورزشی» نیست و همه خشونت‌های ورزشی، مستلزم مجازات‌های کیفری نیستند، بلکه نظر به این که حقوق جزا در واقع آخرین وسیله حمایتی است، «برای این که خشونت، تحت تعقیب کیفری قرار بگیرد، باید شرایط آنقدر صریح باشد که نتوان آن را یک اقدام ورزشی تلقی نمود» (Gilberto & Maldonado, 2020: 10-11). بنابراین، تعقیب کیفری باید مختص آن دسته از موقعیت‌هایی باشد که رفتار به اندازه‌ای سنگین است که به‌درستی به‌عنوان یک عمل مجرمانه طبقه‌بندی شود (Livings, 2016: 10). به عبارت بهتر، تنها زمانی می‌توان به مشروعیت مداخله کیفری در مواجهه با معضل خشونت ورزشی متوسل شد که عمل ارتكاب‌یافته خارج از قلمرو و حدود مقررات ورزشی آنقدر شدید و سنگین باشد که مجازات‌های تأدیبی و انضباطی در مورد آن کفایت نکند و یا سازوکارهای انضباطی در کنترل مؤثر و مجازات عادلانه خشونت، شکست خورده باشند (Porter, 2018: 28). به همین دلیل است که مجازات کیفری، نسبت نهایی سیاست اجتماعی نامیده می‌شود (Jareborg, 2005: 525).

حقوق دانان و نظریه‌پردازان در پاسخ به این که آن خط جداکننده کجا باید ترسیم شود، تحقق تجمیعی الزامات و ضوابط انتسابی خاصی را شرط دانسته‌اند تا دخالت کیفری در ورزش توجیه گردد. این الزامات و عناصر کلیدی عبارتند از: «۱- آسیب جسمی ورزشی؛ ۲- قصد؛ ۳- نقض قوانین بازی» (Nelson, 2005: 6). در واقع، مجرمانه بودن خشونت و آسیب ورزشی به تحقق این سه معیار بستگی دارد و در صورت احراز این پیش‌نیازها می‌توان مسؤلیت کیفری ورزشکار در قبال آسیب‌های ورزشی را وارد دانست.

«آسیب ورزشی»، اصطلاحی است که برای توصیف آسیب‌ها و صدماتی که ورزشکاران در حین انجام یک ورزش به یکدیگر وارد می‌کنند، استفاده می‌شود. بنابراین، برای این که یک آسیب، ورزشی تلقی شود لزوماً باید ارتباط مستقیم مادی، زمانی و محلی بین ورزش و آسیب وجود داشته باشد. در همین راستا جراحات و صدمات ناشی از برخوردهای ورزشکاران با داوران، مربیان، سازمان‌دهندگان یا تماشاگران، جزء آسیب‌های ورزشی طبقه‌بندی نمی‌شوند. از نظر زمانی، آسیب به حریف باید ناشی

اتحادیه فوتبال انگلیس او را جریمه و تعلیق کرد، هرگز متهم تحت پیگرد قانونی قرار نگرفت. در یک حادثه جداگانه، لوئیس سوارز، بازیکن لیورپول، در بازی بین لیورپول و چلسی در سال ۲۰۱۳، بازوی بازیکن حریف را گاز گرفت. گاز گرفتن بخشی از بازی فوتبال نیست، در چهارچوب قوانین نیست و قصد آشکاری برای ایجاد آسیب دارد. با این حال، سوارز محکوم نشد و یا حتی تحت پیگرد قانونی قرار نگرفت. مواردی از این قبیل حاکی از بی‌میلی نسبت به پیگرد کیفری خشونت‌های فراتر از قانون است» (Fogel, 2014: 6). به‌طور کلی در انگلستان، «موارد بسیار کمی از خشونت ورزشی به دادگاه ارجاع می‌شود. میزان تعقیب قضایی پایین است و هر مجرمی که محکوم می‌شود، مجازات بسیار ملایم‌تری نسبت به دیگرانی که مرتکب عمل مشابهی در جامعه می‌شوند، دریافت می‌کنند» (Nelson, 2005: 7)، اما این به‌معنای مصونیت کیفری رفتارهای خشونت‌آمیز فراتر از قانون ورزش و رقابت نیست، چراکه با احراز شرایط مجرمانه بودن عمل، ممکن است مقررات جزایی کشور، در چنین مواردی اعمال شود. به‌طور کلی «در انگلستان، دو سند بر تصمیم تعقیب قضایی حاکم است: آیا شواهد کافی علیه متهم وجود دارد و آیا ارائه پرونده به دادگاه به نفع عمومی است یا خیر؟» (Mountier, 2012: 30)، چنانچه «در مارس ۲۰۱۰، مارک چپمن<sup>۱</sup> به‌دلیل ایجاد صدمات شدید بدنی بدخواهانه به شش‌ماه حبس محکوم شد. چپمن در جریان بازی فوتبال، تکلی انجام داد که باعث آسیب جدی به بازیکن دیگری شد. این تکل پای حریف را از دو نقطه شکست، به‌نحوی که آسیب نیاز به جراحی ترمیمی و پیوند پوست داشت و به این معنی بود که قربانی دیگر هرگز ورزش نخواهد کرد. در دادگاه تاج و تخت، قاضی رفتار چپمن را یک اقدام عمدی و یک عمل از پیش طراحی‌شده توصیف کرد و افزود: یک مسابقه فوتبال به هیچ‌کس بهانه‌ای برای اعمال خشونت عمدی نمی‌دهد» (Livings, 2016: 1)، البته «در انگلستان تا قبل از پرونده بارنز<sup>۲</sup> معیار روشنی از این که چه زمانی قوانین کیفری و تعقیب کیفری به آسیب‌های ناشی از حوادث و خشونت‌های ورزشی تعلق پیدا می‌کند، وجود نداشت. تا این که در این پرونده،

ایران تمایل چندانی به اعمال مجازات‌های کیفری برای جرایم مرتبط با فعالیت‌های ورزشی ندارد. از این رو خشونت‌ها و آسیب‌های ورزشی یا بدون مجازات باقی می‌مانند و یا تنها منجر به تعلیق‌های کوتاه‌مدت می‌شوند. «می‌توان گفت علت عدم جرم‌انگاری برخوردهای فیزیکی و خشن در ورزش و مهم‌ترین چالشی که حقوق جزا برای مقابله با این نوع خشونت با آن مواجه است به عجین شدن این نوع خشونت با ذات ورزش برمی‌گردد که علم حقوق را در این دوراهی سرگردان و دچار تردید کرده است که آیا پرهیز از خطرها و آسیب‌ها را مقدم دارد و بازی‌های خطرناک را منع کند یا به اشتیاق جامعه و خصوصاً جوانان، پاسخ مثبت دهد و خطرها را پذیرا شود، لذا باید ادعان کرد موضعی که قوانین و مقررات ایران درخصوص این نوع خشونت در فوتبال اتخاذ کرده‌اند ناشی از فشار افکار عمومی و فایده‌های سیاسی، اقتصادی و اخلاقی ورزش فوتبال است که می‌توان از آن به‌عنوان خواست عرف یاد کرد. این امر باعث شده دست مقنن برای مقابله با این نوع خشونت، بیشتر بسته باشد و در برخورد با این قبیل خشونت‌ها در ورزش فوتبال این‌گونه موضع بگیرد و چاره‌ای جز پذیرفتن این نوع خشونت به‌عنوان بخشی از ورزش نداشته باشد» (نهادندی و پوریانی، ۱۳۹۹: ۲۰۷-۲۰۸).

قوانین کیفری انگلستان نیز مبنای قانونی خاصی برای مسؤولیت کیفری در قبال خشونت ورزشی و آسیب‌های ناشی از آن ارائه نداده است. «این موضوع که آیا قانون کیفری باید در زمین‌های ورزشی مداخله و رفتار بین شرکت‌کنندگان ورزشی را تنظیم کند یا خیر، در بیش از ربع قرن گذشته در بریتانیا به‌عنوان یک نگرانی قابل ملاحظه ظاهر شده است» (Gardiner, 2007: 1). وقتی صحبت از آسیب‌هایی می‌شود که در جریان بازی به‌وجود می‌آیند، دادگاه‌های انگلیسی تمایلی به دخالت ندارند. «چندین مورد خشونت ماورای قانون در فوتبال انگلیس توسط پلیس بررسی شده، اما منجر به اتهام نشده است. در یک نمونه، بازیکن منچستر سیتی به صورت حریف ضربه زد و او را بیهوش کرد. پلیس منچستر بزرگ تحقیقاتی را در مورد این حادثه آغاز نمود، اما پس از این که

<sup>2</sup>- Barnes

<sup>1</sup>- Mark Chapman

فدراسیون‌های ورزشی را به حالت تعلیق درآورد تا از هرگونه دخالت آن‌ها جلوگیری شود. این روند یک سیستم کیفری عادلانه و کارآمد را فراهم می‌کند و به هر دو نهاد اجازه می‌دهد تا با هم کار کنند و اطمینان حاصل شود که هرگونه اقدام مجرمانه مجازات می‌شود. چنین سیستمی همچنین از ورزشکاران در مقابل مجازات‌های اضافی محافظت می‌کند (Porter, 2018: 8). به عبارت دیگر، دادگاه‌های انگلیسی مدت‌هاست که اذعان داشته‌اند که به‌طور کلی اختلافات مربوط به ورزش بهتر است داخلی و ترجیحاً از طریق استفاده از مکانیسم‌های شبه‌مستقل و مبتنی بر داوری و انضباطی رسیدگی شود (Bharadwaj, 2020: 72). آن‌ها رویکرد غیرمداخله‌جویانه خود نسبت به اتهامات رفتار مجرمانه ورزشکاران در ورزش‌های تماسی را چنین توجیه می‌کنند که «در تعیین رویکرد دادگاه‌ها، نقطه شروع این واقعیت است که بیشتر ورزش‌های سازمان‌یافته، رویه‌های انضباطی و استانداردهای رفتاری خاص خود را برای اجرای قوانین دارند، در نتیجه در اکثر موارد، نه تنها نیازی به رسیدگی کیفری نیست، بلکه نامطلوب است که هرگونه دادرسی کیفری وجود داشته باشد» (Fafinsk, 2005: 420; Hardman, 2019: 4).

نتیجه این که به‌رغم برخورداری ایران و انگلستان از دو نظام حقوقی متفاوت، - یکی تابع قانون نوشته و نظام رومی - ژرمنی و دیگری تابع نظام کامن‌لا و مقررات ناشی از رویه قضایی - رویکرد غیرمداخله‌گرایانه در ورزش انگلیس و ایران آشکار است، چراکه در ایران به‌ندرت و در انگلستان تعداد انگشت‌شماری از آسیب‌های ناشی از خشونت ورزشی پیگرد قانونی داشته‌اند.

### نتیجه‌گیری

منظور از «خشونت درون‌زا»، خشونت است که در حین انجام ورزش‌های تماسی و در زمین بازی و مسابقه، توسط بازیکنان رخ می‌دهد. این نوع خشونت‌ها اصولاً منجر به صدمات و جراحاتی می‌شوند که از آن‌ها به «آسیب‌های ورزشی» تعبیر می‌شود. موضوع ورود یا عدم ورود قوانین کیفری در مورد

مرتکب، متهم به ایجاد صدمات شدید بدنی غیرقانونی، بدخواهانه و برخلاف قانون شد» (Fafinski, 2005: 419).

بدین ترتیب دادگاه‌ها نشان دادند که «تعقیب کیفری باید مختص آن مواردی باشد که رفتار ورزشکار به اندازه کافی سنگین است تا به درستی به‌عنوان رفتار جنایی طبقه‌بندی شود» (Fafinsk, 2005: 420; Hardman, 2019: 4). زیرا بسیاری بر این عقیده و باور هستند تا زمانی که جرایم و اعمال خشونت‌آمیز ورزشی، توسط قوانین انضباطی و دادگاه‌های ورزشی همراه با دانش تخصصی از وقایع ورزشی، مورد قضاوت قرار می‌گیرد و سازمان‌های ورزشی می‌توانند مجرم و متخلف را به‌طور مؤثر مجازات کنند، محلی برای ورود و مداخله قوانین کیفری باقی نمی‌ماند. بنابراین در مواجهه و برخورد با جرایم و تخلفات ورزشی، قوانین انضباطی خاص هر ورزش باید سیستم غالب باشد، مگر این که مجازاتی که ارائه می‌کنند، اثرگذاری لازم را نداشته باشد. بنابراین کشورها باید سیستمی اتخاذ کنند که در آن دادگاه‌های کیفری در زمانی که مجازات صادر شده توسط سازمان ورزشی بی‌اثر باشد، مداخله کنند و مجازات مؤثری صادر کنند. چنین باوری با موفقیت بین مراجع قضایی و ورزشی انگلیس تطبیق داده شده است. چنانچه «در دسامبر ۲۰۱۳، سرویس دادستانی سلطنتی<sup>۱</sup>، انجمن افسران ارشد پلیس<sup>۲</sup>، اتحادیه فوتبال و اتحادیه فوتبال ولز<sup>۳</sup> به‌طور مشترک سندی تحت عنوان «پروتکل رسیدگی مناسب به حوادثی که هم تحت صلاحیت نظارتی کیفری و هم در حوزه فوتبال قرار می‌گیرند» صادر کردند، با این هدف که سازمان‌های مربوطه بتوانند با هم در تصمیم‌گیری درباره این که آیا رسیدگی کیفری باید در رابطه با حوادثی که تحت صلاحیت قضایی همزمان قرار می‌گیرد، همکاری کنند یا خیر؟» (Livings, 2016: 11); در توافق‌نامه آن‌ها آمده است: تا زمانی که قوانین انضباطی فدراسیون‌ها و سازمان‌های ورزشی، مجازات مؤثرتری نسبت به قوانین کیفری ارائه دهند، اولویت را حفظ خواهند کرد. با این حال، هرگاه قوانین انضباطی نتوانند رسالت و مسؤلیت خود را به‌درستی انجام دهند، نوبت به مداخله قوانین کیفری می‌رسد و این قوانین می‌توانند وظایف انضباطی سازمان‌ها و

<sup>3</sup>- FAW

<sup>1</sup>- Rown Prosecution Service

<sup>2</sup>- ACPO

وجود نمونه‌هایی از دخالت‌های دولت‌ها و اعمال مجازات‌های کیفری برای جرایم و خشونت‌های ورزشی در کشورهای مختلف، اگرچه تا حدودی محدود است، اما بیانگر این نشانه دلگرم‌کننده است که اولاً ورزش فراتر از قانون نیست. پس محکومیت کیفری جرایم ورزشی امکان‌پذیر است؛ ثانیاً جامعه ورزش حرفه‌ای آماده پذیرش پیگردهای کیفری جرایم و خشونت‌های غیرقانونی است؛ ثالثاً جامعه مایل است شرکت‌کنندگان ورزشی را در قبال اقدامات خود پاسخگو بداند.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی

- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). *خشونت و جامعه*. چاپ اول، تهران: نشر سفید.

- بهشتی، محمد (۱۳۶۹). *فرهنگ صبا فارسی*. چاپ دوم، تهران: نشر صبا.

- چلبی، البرز (۱۳۸۶). *دیباچه‌ای بر حقوق ورزشی و قواعد عمومی حقوق جزا*. چاپ دوم، تهران: انتشارات بامداد کتاب.

- صفری صادق (۱۳۹۳). *ارزیابی سیاست کیفری ایران در قبال خشونت ورزشی*. به راهنمایی دکتر عبدالرضا جوان‌جعفری، مشهد: دانشکده علوم اداری و اقتصادی.

آسیب‌های ناشی از خشونت ورزشی در مجامع علمی و حقوقی، سه گروه با سه رویکرد مختلف را به‌وجود آورده است. گروهی مدافع دخالت نظام عدالت کیفری در مورد کلیه آسیب‌های شدید ناشی از خشونت ورزشی هستند. منطق اولیه این گروه، ناشی از این اصل است که هیچ بخش خاصی از جامعه نمی‌تواند مجوز ارتکاب جرم بدون مجازات را داشته باشد. مخالفان این منطق با استناد به فرضیاتی مانند رضایت قربانی، کفایت اجتماعی، تصادفی‌بودن رویدادهای ورزشی، عدم وجود قصد و عمد و مجازبودن ورزش، ادعا می‌کنند که مجازات‌های کمیته‌های انضباطی و مراجع شبه‌قضایی داخلی ورزش (دادگاه داور ورزش) به‌دلیل برخوردار بودن از سرعت و قطعیت، مناسب‌ترین اقدام است و قوانین و مقررات داخلی فدراسیون‌ها تا حد امکان راه را برای ورود سیستم قضایی و قانونی کشورها بسته‌اند. باور گروه سوم - به‌عنوان دیدگاه سنتی و رایج حاکم بر ورزش - این است که تنها زمانی می‌توان به مشروعیت مداخله کیفری در مواجهه با معضل خشونت ورزشی متوسل شد که اولاً شرایط احراز جرم کیفری محقق باشد؛ ثانیاً سازوکارهای انضباطی در کنترل مؤثر و مجازات عادلانه خشونت، شکست خورده باشند. بنابراین از آنجا که ورزشکاران از تعقیب کیفری مصون نیستند، بنابراین به قوانین داخلی و مقررات انضباطی اجازه داده نمی‌شود تا مجازات‌های کیفری را نادیده بگیرند.

به‌رغم این که ایران و انگلستان به‌لحاظ برخوردار بودن از دو نظام حقوقی کاملاً متفاوت، تمایزات و اختلافات زیادی در سیاست‌گذاری‌های کیفری دارند، اما با توجه به موضع غیرمداخله‌جویانه هر دو کشور در مورد جرایم و خشونت‌های ورزشی به‌نظر می‌رسد که همسو با اکثر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی دنیا رویکرد سنتی به رسمیت‌شناختن قواعد و مقررات ورزشی، اعتماد به آرا و دادرسی انضباطی مراجع شبه‌قضایی ورزش و عدم مداخله در ورزش جزء در صورت احراز شرایط مجرمانه‌بودن و استفاده از دخالت کیفری به‌عنوان آخرین راه را به رسمیت شناخته‌اند. بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ایران و توافق‌نامه دسامبر ۲۰۱۳ بین سرویس دادستانی تاج و تخت، پلیس و اتحادیه فوتبال انگلیس، مؤید این نظریه هستند.

- Gardiner, S (2007). "Sports Participation and Criminal Liability". *Sport and the Law Journal*, 15 (1): 19-30.
- Gilberto, J & Maldonado, O (2020). "Lex Sportiva". *upr legal magazine*, 89 (3): 829-850.
- Gillespie, W & Yates, J (2002). "The Problem of Sports Violence and the Criminal Prosecution Solution". *Cornell Journal of Law and Public Policy*, 12 (1): 145-168.
- Hardman, R (2019). *Deviant' Or Criminal? On-eld 'Sports Violence' and the Involvement of Criminal Law in English Rugby Union*. Durham University: School of Applied Social Science.
- Horrow, RB (1982). "Violence in Professional Sports: Is It Part of the Game?" *Journal of Legislation*, 9 (1): 15
- James, M (2002). "The Trouble with Roy Keane". *Entertainment law magazine*, 1 (3): 72-92.
- Jareborg, N (2005). "Criminalization as Last Resort (Ultima Ratio)". *Ohio State Journal of Criminal Law*, 2: 521-534.
- Korabel, M & Shynkarov, Y & Plotnikova, A & Yurii Kuryliuk, Y & Motlyakh, O (2022). "Criminal liability for causing harm to health during sports". *Journal of Sport Sciences*, 11(3): 9.
- Livings, B (2016). *A 'Zone of Legal Exemption' for Sports Violence? Form and Substance in the Criminal Law*. A Thesis Submitted for the Degree of PhD. England: University of Warwick: 349.
- Mountier, J (2012). *whet Happens on the Fild Stays on the Field: When Should the Criminal Law be Employed for Assaults During Sport (Dissertation)*. New Zeland: University of Otago.
- Nelson, A (2005). "When, Where and Why does the State Intervene in Sport? A Contemporary Perspective". *Sports Law and Governance Journal*, 1 (1): 16.
- Porter, J (2018). *The interaction between the criminal law and non-contact sports: A look at concurrent jurisdictional issues and the defence of implied consent*. For the LLB (Honours)
- علوی قزوینی، سید علی و مقدادی، محمد مهدی (۱۳۹۰). «مبانی فقهی و حقوقی عدم مسؤولیت مدنی ورزشکاران در عملیات ورزشی». *مجله علمی پژوهشی نامه مفید*. سال هفدهم. ۸۵: ۱۰۷-۱۳۰.
- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۲). *حقوق جنائی (دوره سه جلدی)*. چاپ سوم، تهران: نشر فردوسی.
- محسنی تبریزی، علیرضا و رحمتی، محمدمهدی (۱۳۸۱). «سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علی - توصیفی خشونت در ورزش». *مجله نامه علوم اجتماعی*. ۱۹: ۱۲۵-۱۵۳.
- نهماوندی، مسعود و پوریانی، محمد حسین (۱۳۹۹). «بررسی سیاست کیفری ایران در موضوع جرایم و تخلفات ورزشی». *فصلنامه مطالعات حقوقی*. دوره جدید. ۹: ۲۰۱-۲۱۰.

#### ب. منابع انگلیسی

- Anderson, J (2012). "Sanctioned Aggression of Criminal Sanction? Violence, contact sports and the law". *Journal of Sport Management: Abingdon Social and Cultural Perspectives*, 1: 51-64.
- Bharadwaj, A (2020). "Sports' Disputes and Arbitration". *GIBS Law Journal*, 2 (1): 71-84.
- Cornu, G (2004). *Vocabulaire juridique*. 14<sup>th</sup>ed. Association Henri Capitant. Quadrige.
- Epstein, A (2009). "Incorporating the Criminal Law in Sport Studies". *The Sport Journal*, 12 (3): 10.
- Fafinski, S (2005). "Consent and the Rules of the Game: The Interplay of Civil and Criminal Liability for Sporting Injuries". *Journal of Criminal Law*, 69 (5): 414-426.
- Fogel, CA (2014). "Ultra-Violence on the Pitch: Establishing a Threshold for the Intervention of Criminal Law in English Football". *Journal of Law and Criminal Justice*. Published by American Research Institute for Policy Development, 2 ( 2): 15.

Degree, Faculty of Law, Victoria University of Wellington: 32.

- Stajnko, J (2018). “Doctrine of social adequacy as a bridge between criminal law and empirical legal sciences” *Proceedings of conferences of the Department of Criminal Law and Procedure*, 1: 284-286.

- White, DV (1986). “Sports Violence as Criminal Assault: Development of the Doctrine by Canadian Courts”. *Duke Law Journal*, 6 :1030-1054.

- Young, K (2000). “Sport and Violence”. In *Handbook of Sport Studies*, edited by: Jay Coakley and Eric Dunning. London: SAGE Publications Ltd. Article number 25: 382- 407.

- Zigler, EF (2007). “Sport, management must show social concern as it develops tenable theory”. *Journal of sport management*, 21 (3): 297-318.